

دکتر منصور گرکز*

استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول

بررسی نظام حسابداری و حسابرسی در ایران باستان دوره هخامنشی

چکیده

تاریخ علم حسابداری از جمله موضوعاتی است که جایگاه و روند آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از کتب حسابداری زادگاه حسابداری را به کشورهای غربی منتسب می‌کنند ولی بسیاری از محققان سابقه آن را به ۶۰۰۰ سال قبل در بین‌النهرین می‌دانند. در این مقاله به بررسی نظام حسابداری و حسابرسی و بانکی در دوره هخامنشیان پرداخته شده است. الواح و سایر مستندات تاریخی نشان می‌دهد که سیستم‌های منظم پرداخت حقوق و دستمزد، انبارداری، سیستم‌های حسابداری، تأسیس بانکها، ضرب سکه، وجود نظام‌های مالیاتی، سیستم‌های حسابرسی و بازرسی همه حکایت از پیشرفت حسابداری و نظام مالی در دوره هخامنشیان دارد.

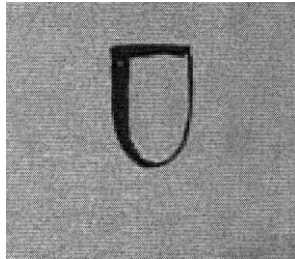
واژگان کلیدی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
حسابداری، هخامنشیان، حسابرسی، نهادهای پولی، نظام مالیاتی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

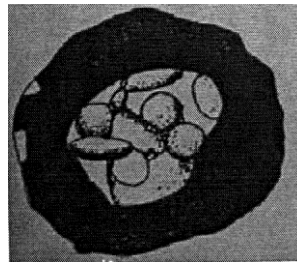
تاریخچه حسابداری به شکل ابتدایی آن همزاد با تاریخ است. زیرا سابقه و قدمت حسابداری را می‌توان به زمانی مربوط دانست که بشر اولیه با شمارش آشنا شد. اگرچه حسابداری و سیستم‌های مالی عصر باستان شباهت زیادی با سیستم‌های امروزی ندارد ولی در نوع خود بسیار جالب و جذاب است و حکایت از قدمت این رشته دارد. پادشاهان و حاکمان برای ثبت و نگهداری آمار مربوط به انبار و غلات و پرداخت حقوق کارگزاران و مالیات و خراج و... از سیستم حسابداری و نظام مالی استفاده می‌کردند. در واقع دولت‌ها و پادشاهان به دلیل حاکمیت بر بخش عمده‌ای از منابع، ثروت‌ها و نیروهای مالی و انسانی استفاده از حسابداری به عنوان یک دانش اجتماعی مرسوم بوده است.

حسابداری و امور مالی

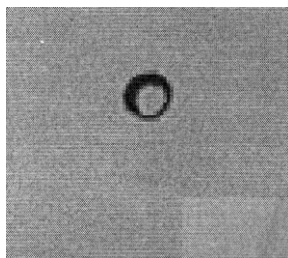
قبل از اختراع و بکارگیری خط به استناد داده‌های باستان شناسی به دست آمده از شوش و در لایه‌های تپه اکروپل (لایه‌های ۲۲ تا ۱۷) که از نظر تاریخی سالهای ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد را در بر می‌گیرد، تعداد اشیاء شمارشی به شکل مخروطه کره (تبله) و میله (باطوله) بدست آمده است. اجسام برای مشخص کردن مقدار جنس مبادله شده در داخل یک گلوله گلی قرار می‌گرفت این گلوله‌های گلی را بر دهانه ظرف می‌گذاشتند و به همراه کالا ارسال می‌کردند. طرف مورد معامله برای مطمئن شدن از مقدار کالا گلوله گلی را می‌شکست و حساب موجود در گلوله گلی را بررسی می‌نمود. (صالحی، ۱۳۷۶، ۲۵۰)



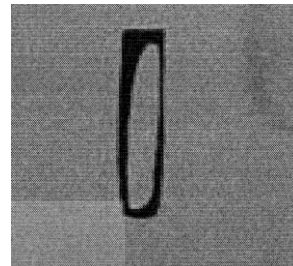
مخروط کوچک که علامتش پهن کوچک است (ارزش ۳۰۰)



گلوله گلی محتوی اشیای شمارشی



تیله، که به صورت دایره نشان داده (ارزش ۱۰۰)



میله که با شیار پهن بلند نشان داده شده است (ارزش ۱)

بعد از آن شوشی‌ها علایم را به جای اشیای شمارشی به کار بردند که می‌توان آن را نخستین گام به طرف اختراع خط دانست. با ابداع این علایم علاوه بر اشیای شمارشی، علائم ابداعی را که بصورت شیارهای پهن- کوتاه- بلند و دوایر کوچک و بزرگ بودند روی گلوله‌های گلی مزبور گود می‌کردند. میزان ارزشهای عددی اشیاء و علائم شمارشی را فرانسوا والا مشخص و تعریف کرده است.

مقدار حساب موجود در داخل گلوله‌ها با مقدار علائم شمارش شده روی آن یکی بوده و در نتیجه شوشی‌ها دریافته‌اند که با وجود علائم شمارشی روی گلوله احتیاج به وجود اشیای شمارشی در داخل آن نیست. به همین دلیل اشیای شمارشی داخل گلوله‌ها را حذف کردند با حذف اشیای شمارشی احتیاجی به وجود گلوله نبود بنابراین علائم شمارشی روی تکه گلی پهن شده، نقره کرده و در حقیقت اولین تابلت^۱ را ابداع نمودند که به همراه کالا ارسال می‌شد در دوره بعد علائم خطی که به آنها پیکتوگرافیک^۲

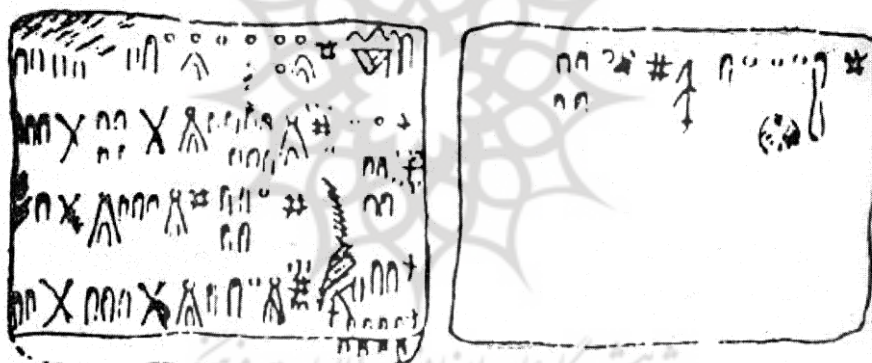
۱ - Tablet.

۲ - Picto Geraphique.

می‌گویند جانشین علائم شمارشی شده که این مسئله را می‌توان اولین گام به سوی صدور فاکتور همراه کالا دانست. (محمدی‌فر، ۱۴۴)

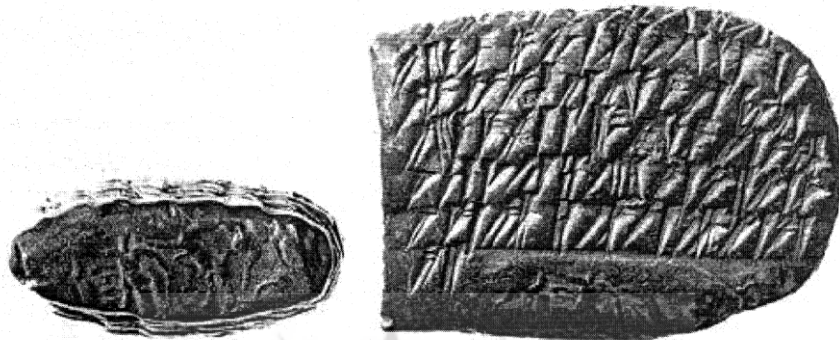
در مرحله اقتصاد خود مصرفی امور مالی و داد و ستدها و مبادلات بر اساس اجناس و کالاهای مورد نیاز صورت نمی‌گرفته و بعدها بر اثر اقتصاد و تولید کالاهای متعدد و زیاد از حد تقاضا، نوع مبادلات و چگونگی جمع‌آوری و نگهداری آنها پیچیده‌تر می‌شود و لزوم دستگاهها و سازمانهای مالی و حسابداری و ابزارهای سنجش گوناگون را لازم می‌نمایند. شرایط اقتصادی و اجتماعی در مرحله اقتصاد خود مصرفی ایران باستان چندان روشن نیست ولی مهره‌های گلی بدست آمده مربوط به اواخر هزاره ششم پیش از میلاد، نشان می‌دهد که این مهره‌ها به عنوان پول یا برات در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در دوره‌ی مادها با پیشرفت و رونق اقتصاد، بخصوص در زمینه‌ی زراعت و دامداری سازمانهایی جهت اداره‌ی کارهای مربوط به امور مالی و حسابداری بوجود آمده است، یکی از نمونه‌های صورت حساب‌ها، در دوره مادها در شکل ذیل نشان داده می‌شود.



بر اساس نوشته‌های کامرون، لوحه‌هایی که به زبان عیلامی است نسخه درخواست پرداخت مزد است که ناظران امور، ابتدا به زبان آرامی بر پوست می‌نوشته‌اند و سپس حسابداران به زبان عیلامی بر لوحه‌ها ثبت می‌کرده‌اند و پوستی را که سرکارگر نوشته بوده نیز با ریسمانی به لوحه می‌بستند و در جای مخصوص خود در خزانه جای می‌دادند.

در حفاری‌های سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۴ حدود ۳۰۰۰۰ لوح گلی به خط میخی عیلامی در تخت جمشید یافت شد که حدود ۰۰ لوح آن تقریباً سالم بود. متن‌هایی روی هم رفته کوتاه و حاوی مطالبی درباره درآمدها و مخارج و در نگاه نخست چندان ارزشمند به نظر نمی‌رسد. (تصویر شماره ۲) برای نمونه نگاهی به متن لوح PF۷۹۸ بیاندازیم (کخ، ۱۳۸۵، ۳۱).



لوح دیوانی عیلامی از تخت جمشید

از نکات قابل توجه سیستم حسابداری و مالی این که همه دریافت‌ها و پرداخت‌های خزانه، می‌بایست به امضاء (= به مهر) می‌رسیدند. لوح گلی که هنوز خشک نشده بود برای مهر شدن آنرا نزد رئیس تشریفات (فرنکه) و در برخی مواقع نزد مسئولان رده بالایی دربار می‌بردند تا آن را رسیدگی و بعد آنرا مهر می‌زدند. در صورتی که فرنکه به عنوان رئیس تشریفات مهر خود را گم کرد بلافاصله به صورت بخشنامه‌ای این موضوع را به اطلاع دیگران می‌رساند.

«و مهري که تاکنون داشتیم گم شلکنون مهري که به اینجا فشرده شده است واقعاً مهر من است».



مهر فرنکه، رئیس تشریفات

از ساختار لوح‌های دیوانی به آسانی درمی‌یابیم که یک لوح چندین مرحله کاری را پشت سر می‌گذاشت تا پدید آید. معمولاً نام صادر کننده، کارمند اجرا کننده، دستور در روی آن قید می‌شد و در صورت نبودن مسئول، اداره مربوط در دیوان، روی لوح قید می‌شد (رجبی پرویز، تاریخ ایران، پیام نور، ۱۳۳)

«رئیس اداره در جریان امر قرار دارد.»

یا در مثال دیگر می‌توان به مسافرت‌ها و مأموریت‌های کارمندان دولتی اشاره نمود که در این مأموریت‌ها کارمندان با نشان دادن گذرنامه (یعنی نشانه در مأموریت بودن) و با مراجعه به انبار کاروانسرا جیره‌ای به ایشان می‌داد تا جایی که پاسپورت‌های بازمانده از آن دوران نشان می‌دهد که جیره آن‌ها روزانه ۰/۹۷ و حداکثر ۱/۴۵ لیتر بوده است و از نکات قابل توجه سیستم‌های مالی و انبارداری این بود که در مقابل تحویل جیره، از آنها رسید دریافت می‌نمود. بر اساس قرائن منشی‌های کوروش بزرگ عیلامی بودند و فرمانهای داریوش نیز به خط عیلامی نوشته می‌شده است.

پرفسور ماری کخ به نوعی از لوح‌های تحت جمشید چنین اشاره می‌کند که در آن نوشته شده «۱۲۰۰ لیتر جو برداشته شد به حواله دو شهرته^۱، وهوکه^۲ آن را تحویل گرفت» و یا حتی در لوحی دیگر آمده است:

«در سال بیست و دو، تهماسب حسابدار، یک کوزه آب جو گرفت.»

میان این اسناد گاهی پرداخت‌ها و مخارج چند ماه یا حتی یک سال تمام در یک حسابرسی نهایی جمع‌بندی شده است.

بعد از کاوش‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ در شمال شرق استحکامات تخت جمشید، دو سال بعد، مجموعه کوچکتري متشکل از ۷۵۰ لوح و قطعه، از ویرانه‌های خزانه‌داری بدست آمده که پس از بررسی لوح‌ها نشان داد که این الواح مربوط به سال‌های سیزدهم تا بیست و هشتم سلطنت داریوش یعنی ۵۰۹-۴۹۴ ق.م مربوط است. اسناد بدست آمده از خزانه‌داری، مربوط به سالهای سیزدهم داریوش تا هفدهم نوهی او، اردشیر اول، یعنی از سال ۴۹۲-۴۵۸ می‌باشد. این الواح در خصوص آئین‌نامه و مقررات اداری انتقال کالاهای غذایی می‌باشد که متن این الواح به دو گروه تقسیم می‌شوند.

۱ - Dusharta

۲ - Vahauka

۱- اسناد مربوط به عملیات بزرگ و وسیع (انتقال از محلی به محل دیگر، تخصیص برای مصارف کلی)

۲- حواله تخصیص برای مصرف کنندگان نهایی

یکی از مطالب قابل توجه در خصوص سیستم ثبت و ضبط مربوط به الواح مرتبط با آئین مذهبی است. در برخی از الواح کشف شده، در خصوص مقادیر و نوع مواد خوراکی و یا مشروبات نوشیدنی مصرف شده جهت مراسم مذهبی، ثبت و نگهداری شده است. اسناد و الواح بدست آمده نشان می‌دهد که گیرنده‌ی این اقلام روحانی بوده است که با دو واژه‌شتین و مجوس که به ترتیب واژه‌های عیلامی و ایرانی بوده‌اند در الواح دیده می‌شود.

به مضمون برخی از الواح می‌پردازیم (مری بویس، صص ۱۹۶ و ۱۹۷).

«هفت کیل گندم که بکامیرا^۱ داده بود به انبادوش^۲ شتین رسیده برای هومبان^۳ (خدا) مصرف کرد.»

«شش کیل شراب که به شک‌کنا^۴ داده بود به بپدا^۵ شتین رسید. برای خدایان مصرف کرد.»

«سی کیل گندم که «میناک‌کا^۶ داده بود به اکشیماشرا^۷ رسید و در عوض سه گوسفند گرفت. گوسفند را برای خدایان به زیارتگاه داد.»

سیستم حقوق و دستمزد

در عهد هخامنشیان سیستم حقوق و دستمزد دقیقی وجود داشت به طوری که مزد هر طبقه از کارگران دقیقاً تعیین شده بود بنابراین مزد یک کودک، یک زن، یک مزدور یا پیشه‌ور و متخصص مشخص شده است. از این حد هم بیشتر رفته‌اند و به منظور

۱- Bakamira
۲- Anbadus
۳- Humban
۴- Sakkanna
۵- Bepda
۶- Manyakka
۷- Alsomasra

احتراز از تقلب، معادل پولی همه محصولات را که به منزله مزد جنسی تأدیه می‌شده، ذکر کرده‌اند و ما بدینوسیله می‌دانیم که یک خمره شراب یک "شکل" و یک گوسفند سه "شکل" ارزش داشته است. حتی مزد روحانیانی که در خدمت دین بودند تثبیت شده و مزد یک مغ مأمور تهیه هود و مشروبات، بالغ بر دوازده خمره شراب در سال بود. (گریشمن، ۱۳۳۶، ۱۸۰).

نوشته‌های الواح گلی تخت جمشید که اسناد مالی کاخ‌های هخامنشی است، کمک مهمی به شناسایی وضع مالی آن زمان و نسبت دستمزد نقدی و جنسی کارگران در آن دوره می‌کند. یکی از این الواح به خط عیلامی توسط پرفسور جرج کامرون دانشمند آمریکایی مطالعه و خوانده شده بود و آقای سید محمد مصطفوی آن را ترجمه کرده است که در ذیل ترجمه یکی از الواح آورده می‌شود (ملکزاده، ۲۵).

«برابر سه کارشا و شش شکل نقره به وسیله شکا به کارگرانی که درهای آهنی پارسه را می‌سازند و پردکاما مسئول کار ایشان است، پرداخته شد. معادل این مبلغ به طور مقرر به قرار هر سه شکل نقره یک گوسفند احتساب گردید. مدت کار ایشان از ماه آدوکنئیش تا ماه ویخن (تمام دوازده ماه) سال ششم (سلطنت خشایارشا) بوده و دو نفر هر کدام ماهی یک شکل و نیم نقره دریافت می‌کردند.» آدوکنئیس اواخر زمستان و اوایل بهار و ویخن ماه دوم و سوم زمستان می‌باشد.

آنچه در لوح‌ها ثبت شده، همه مربوط به کارگران بنای کاخ سلطنتی تخت جمشید نیست بلکه از گله چرانان و زارعین و مأمورین وصول مالیات نیز بر لوح‌ها ثبت شده است. گرچه بیشتر لوح‌ها مربوط به همان صنعتگران و هنرمندان زرگر و کارگر و عمله و بنا است. (کالیکان ویلیام، ۱۰۵)

از نکات قابل توجه در دوره هخامنشی برابری حقوق زنان و مردان است. زنان کارگر پس از زایمان به مدتی از کارکردن معاف بودند و برخی از متون از مرخصی ۵ ماهه به زبان می‌آورند و در مدت مرخصی، حقوق دریافتی به حداقل ممکن می‌رسید و البته این حداقل حقوق برای گذراندن زندگی کفایت می‌کند.

هیتس می‌نویسد: «در بررسی دستمزدهای پرداخت شده از سوی هخامنشیان به این نتیجه می‌رسیم که برای دولت تفاوت اجتماعی میان آزادان و غیر آزادان در لوح‌های دیوان حداقل دستمزد ماهانه ۳۰ لیتر جو است. در صورت متأهل بودن کارگر، همسر او

نیز ۲۰ لیتر جو می‌گرفت. جیره کودکان به نسبت سنشان، ۲۰، ۱۵، ۱۰ و یا ۵ لیتر بود. (بیانی، ص ۲۵)

تشکیلات مالی

یکی از مهمترین اقدامات داریوش، تأسیس اداره مالیات با تشکیلاتی وسیع و قوانین جدید سراسری بود، زیرا ایالات می‌بایست از سویی نیازهای مالی خود را برآورده سازند و از سوی دیگر، مالیاتی را به مرکز گسیل دارند که جوابگوی مخارج سپاه، اداره‌ها، دربار، بنای کاخهای عظیم و باشکوه و غیره باشد.

بدین ترتیب، برای ممالک تابعه و ایالات به طور عادلانه و بر اساس موقعیت منطقه‌ای، مالیاتهای جنسی و نقدی وضع کرد که به صورت شمشهای طلا و نقره و پارچه‌های زربفت و اشیاء و ظروف گرانبها، سنگهای قیمتی، ابزار فلزی و غلات و محصولات دیگر و حتی چهارپایان به خزانه حکومتی و خزانه دربار واریز می‌شد یکی از مهمترین شغلهایی که داریوش ایجاد کرد، مأمور عالی رتبه اخذ مالیاتها بود (رومن گیرشمن، ۱۳۸۵، ۱۳۳)

ساتراپها می‌بایست تحت نظر وی مالیاتها را به مرکز گسیل دارند. مأموران مالیاتی خزانه دربار با خزانه حکومتی تفاوت داشتند و هر یک برای گردآوری مالیاتهای خزانه خود، وظیفه مقرر کردن میزان عوارض گوناگون را برعهده می‌گرفت و کارگزاران زیردست آنان تعدادی مأمور محاسبه و تعداد ید دیگری مأمور گردآوری مالیاتها بودند. دسته‌ای منشی و کاتب نیز به کار اشتغال داشتند که در دفاتر مرتب و منظمی موارد گوناگون را ثبت و ضبط می‌کردند. همه مالیاتها تحت نظر مأمور عالی رتبه گردآوری و به انبارهای مخصوص فرستاده می‌شد. این مالیاتها چنان که گفته شد نقدی و جنسی بوده و انواع گوناگون داشت؛ مانند مالیاتهای کشاورزی بخصوص گندم، صنایع، بنادر، عوارض گمرکی که در زبان پارسی باستان اصطلاحاً «باز» یا «باج» گفته می‌شد، همچنین هدایا و پیشکش‌هایی که طبق سنت در مراسم و اعیاد گوناگون به خزانه دربار فرستاده می‌شد. برای مثال، از حبشه عاج فیل و چوب آبنوس، از عربستان کندر، از هند سگهای شکاری، از کیلیکیه اسبهای سفید، از ماد و کاپادوکیه اسب و قاطر و.... فرستاده می‌شدند. درباره مقدار عواید نقدی که با وصول مالیاتها به خزانه می‌رسید و نحوه به

کارگیری و خرج کردن آنها قواعد دقیق و منظمی وجود داشت که تخطی از آن جرم بسیار سنگین محسوب می‌شد.

در دوران هخامنشی بعد از داریوش اول به واژه قشطو^۱ برمی‌خوریم که به مفهوم «کمان» یا «بخشی از زمین برای گذران یک کماندار» بود و به کسانی که خدمت‌های نظامی به شاه کرده بودند، داده می‌شد. چنین می‌نماید که قشطو را پارسیان رایج کردند و ایلکو^۲ که واژه بابلی بود به پاداش پولی یا مستمری نقره اطلاق می‌شد و مفهوم «باج زمین» یا از آن ساده‌تر «مالیات» به خود گرفت. قشطوها که به خانواده‌ها داده می‌شد، در تقسیم‌بندی مالیاتی جزو هترو^۳ یعنی سازمانی بود که باج‌ها را گردآوری می‌کرد و مأمور بلند پایه‌ای به نام شکنو^۴ بر آن ریاست داشت. (فرای، صص ۱۸۲ و ۱۸۳)

یکی از الواح کشف شده در تخت جمشید به نظم مالیاتی در دوره هخامنشیان اشاره می‌کند یک سند مالیاتی در خزانه تخت جمشید پیدا شده که حاوی بقایای مالیاتی بانویی است که قسمتی از مالیات خود را پرداخت کرده و به موجب این سند تتمه آنرا داده و مفاصاحساب گرفته است (راوندی، ج ۱، ۱۳۸۵، ۴۰۵).

این سند نشان می‌دهد که در دوره هخامنشیان دریافت بر اساس نظم خاصی ثبت و در مراکز بایگانی به صورت دقیق نگهداری می‌شوند. البته بعد از روی کار آمدن اسکندر و جانشینان وی، سیستم امور مالی و حسابداری و اقتصادی در ایران تغییراتی داشت و به سیستم‌های مالی و اقتصادی خدشه وارد شد و به همراه سایر پدیده‌های مالی، فرهنگی، امور مالی و تربیت تحصیلداران نیز رکودی به وجود آمد.

دکتر حکمت در کتاب آموزش و پرورش در ایران باستان خود معتقد است نحوه وصول مالیات و اداره خزانه کشور و صورت حساب‌های دخل و خرج در دوره هخامنشی تا قبل از داریوش ماخذ و ترتیب درستی نداشت و حکمرانان محل از نظر تأمین هزینه‌های جاری اختیار تام داشتند، داریوش نظام مالیاتی را بر مبنای معین مالیات جسمی و نقدی به وجود آورد و برای هر ایالتی بر حسب اقتصادی آن ایالات مالیاتی مقرر داشت. چنانکه ویل دورانت می‌نویسد:

۱- Qashtu
۲- Ilku
۳- Hatru
۴- Shoknu

«هر ایالت سالانه موظف بود مبلغ ثابتی یا جنسی به عنوان مالیات برای شاه بفرستد. هندوستان ۶۸۰ تالنت می‌فرستاد، آشور و بابل ۱۰۰۰ تالنت و... و این مبالغ سالیانه ۱۴۵۶۰ تالنت می‌شد...» (ویل دورانت، ج ۱، ص ۵۳۵)

«دکتر حکمت در جایی دیگر شاهان ایران باستان کمتر فرمانروایی را می‌توان یافت که مانند داریوش رفاه و سعادت ملت خویش را بر پایه اقتصاد نوین، با نظم و ترتیب خاص بنا گذاشته باشد. در این دوره روابط اجتماعی و اقتصادی و دخل و خرج کشور بر پایه‌ای گذاشته شد که احتیاج مبرم به کارمندان و حسابداران آموزش دیده در سطح عالی گردیده است.

سکه

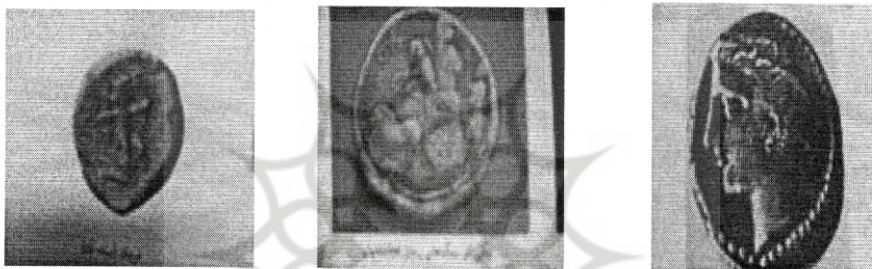
سکه شناسی، یک بخش مهم از باستان شناسی است که شاهدی زنده از فرهنگ، تمدن و اقتصاد و تاریخ گذشته ملل و اقوام است. ممکن است بسیاری از الواح و آثار تمدنها بر اثر آتش سوزی، زلزله و سایر حوادث طبیعی و غیر طبیعی از بین رفته باشد ولی به دلیل جنس سکه که از طلا، نقره خالص و برنز بوده‌اند در مقابل حوادث محفوظ مانده‌اند بنابراین این سکه می‌تواند کمک قابل ملاحظه‌ای در شناخت روابط مادی و غیر مادی ملل بنماید.

قبل از پیدایش سکه، معاملات و روابط اقتصادی بین مردم و اقوام بر اساس مبادله جنسی و کالا به کالا (تهاتری، پایاپای) صورت می‌گرفت. نظام مبادله حتی بین مناطق بسیار دور از یکدیگر معمول بود، برای نمونه سنگ کهریا و شیشه سنگ صدها کیلومتر دورتر از محل اصلی‌شان به دست آمده‌اند.

سکه چهار درهمی صیدا که در یک طرف، نقش کشتی بر روی امواج آب دیده می‌شود و طرف دیگر شاهنشاه هخامنشی اردشیر سوم سوار بر گردونه‌ای که دو اسب قوی هیکل آن را می‌کشند و در مقابل او ارابه ران تسمه‌های قطور را گرفته است و در پشت گردونه نگهبان شاهی سایبان به دست در حرکت است، معرف وضع کشتیرانی در ۲۴۰۰ سال قبل و نوع لباس، آداب و رسوم و... است (ملکزاده ملکه، ۱۰)

در واقع اوزان و مقادیر برای امور داد و ستد، معاملات، پرداخت حقوق و دستمزد، یک شکل کردن اقتصاد و بازرگانی و سهولت در امور حسابداری و حسابرسی به وجود آمده‌اند مثلاً شکل^۱ هم واحد وزن و هم نوعی مسکوک است (فرقاندوست، ۱۱).

الواح گلی تخت جمشید نمونه بارزی از نظم و ترتیب و تشکیلات امور مالی در دوران هخامنشیان است. وقتی کوروش در سال ۵۴۶ ق.م قلعه سارد را مسخر کرد و آخرین کوشش لیدی‌ها را در هم شکست و آن مملکت غنی و نواحی یونانی نشین دریای ایوانی را تحت سلطه خود درآورد ناچار تشکیلات آنجا در هم فروریخت و از آن جمله سکه‌های معروف و زیبای کرزوس متوقف گردید شاید اگر کوروش فرصتی داشت برای نظام مالی خود مانند لیدی‌ها سکه ضرب می‌کرد ولی لشکرکشی‌ها اجازه این فرصت را برای کوروش نداد. (هوار، کلمان، ۱۵۴)



و بعد از وی نیز کمبوجیه به دلیل جنگ‌ها و عصیان‌ها و لشکرکشی‌ها و اوضاع نابسامان، فرصت کافی برای امور داخلی کشور نداشت. داریوش اول (۵۲۱-۴۸۵ ق.م) پس از برقراری نظم در امپراتوری پهناور هخامنشی به تشکیلات امور داخلی و تقسیمات مملکتی و ممالک تابعه پرداخت و بخصوص توجه خاصی نسبت به وضع مالی و اقتصادی مبذول داشت. قبل از وی ترتیب صحیحی در برآورد مالیات متناسب با دارایی هر منطقه یا ساتراپ وجود نداشت و عایدات بر مبنای معین و اصولی تنظیم نمی‌شد. لذا داریوش برای امور مالی و اقتصادی و بازرگانی مقررات جدیدی وضع نمود. داریوش پس از آنکه نظام اداری و مالی را قوام بخشید متوجه لزوم ضرب سکه شد بنا به دستور وی ضراب خانه‌ها تأسیس گشت. (سرفراز، ۱۰)

۱- Shakal

در دوران هخامنشیان، سکه‌های زرین را «دریک» می‌نامیدند وزن دریک ۸/۴۲ گرم بود بر روی دریک تصویر شاه حک شده است. مورخ مشهور هردوت معتقد است که دریک از سکه‌های بسیار خالص بود و به همین دلیل در سایر ممالک و از جمله آسیا و یونان از این سکه بسیار استقبال می‌کردند و در مبادلات تجاری به راحتی قابل قبول بود. در اواخر دوران هخامنشی سکه‌های «دو دریکی» با وزن ۱۶/۶۵ ضرب شده است.

برای پرداخت حقوق و دستمزد مزدوران خارجی که در خدمت ارتش هخامنشیان بود مثل در دوران خشایارشا به هنگام جنگ با یونان، حقوق ماهیانه سرباز یک دریک بود و یا برای گسترش امور بازرگانی با ممالک دیگر و یا ممالک غربی ایران از دریک استفاده شد. سکه‌های سیمین «شِکِل» یا سیکل نام داشت.

سکه‌های شاهنشاهی ایران در کشورهای مجاور به ویژه در یونان به کار می‌رفت به طوری که بانکداران خارجی با رغبت زیادی از پول هخامنشی در معاملات تجاری و بانکی خود استفاده می‌کردند علاوه بر شاهان هخامنشی ساتراپ‌ها هم که به عنوان نمایندگان شاه تلقی می‌شدند اقدام به ضرب سکه می‌نمودند. ساتراپ‌ها به خصوص در دوران جنگ و مأموریت جنگی سکه ضرب می‌کردند.

نوع دیگری از سکه در دوره هخامنشی رواج داشت که از آن جمله سکه‌های سلاطین و امرای تابع مانند شاهان شهرهای فینیقیه، قبرس، امرای کاری، پامفیلی و شهرهای یونانی و آسیای صغیر بود. (ملکزاده بیانی، ۹۲)

شاه شاهان اجازه داده بود ساتراپ‌ها و خاندان‌های محلی و شهرهای مختلف، سکه‌های خودشان را ضرب کنند. تعداد ضربخانه‌های دایر را در اواخر سده پنجم، پیش از میلاد حدود سی واحد برآورد کرده‌اند. ساتراپ سارد، در عصر داریوش دوم (۴۱۲-۴۱۱ پ.م) برای پرداخت حقوق و مزایای ملوانان اسپارت، که در خدمت او بودند، به ضرب سکه پرداخت. (مری بویس، ۳۹۰)

ساتراپ‌ها و خزانه‌داران از میان پارس‌ها انتخاب می‌شدند ظاهراً هر ساتراپ نشین یک خزانه‌دار شاهی داشته، که گردش همه کارهای مالی با او بوده است. (رجبی، پرویز،

نهادهای پولی در عصر هخامنشیان

پیداست که با فرمانروایی کوروش اقتصاد ایران وارد مرحله نوین و جهانی خود شد، که تا فروپاشی حکومت ساسانیان، روند عمومی آن کم و بیش دست نخورده ماند. گشودن لیدی، کشور ثروتمندی که مردمش به مبتکران ضرب سکه شهرت دارند و گشودن بابل، یکی از معدود باراندازها و بازارهای کهن بین المللی، ایران را، از سند تا مدیترانه به بزرگترین مرکز اقتصاد جهان باستان تبدیل کرده بود. این گستره بزرگ داد و ستد، با سه مرکزیت، همدان، پاسارگاد و بابل و در کنار این سه، مرکزیت‌های بزرگی مانند اورشلیم و سارد، ناگزیر از برخورداری از شبکه‌های مالی بزرگی بود، که بتوانند جوابگوی آن همه تحرکی باشند، که یک شبه پدید آمده بود. (رجبی، ۶۷)

امپراتوری ایران، امکاناتی بی‌نظیر در اختیار بانک‌ها قرار دارد. پیش از آن، عملیات بانکی در انحصار پادشاهان یا معابد بود و به ندرت اشخاص معمولی به این قبیل امور می‌پرداختند. عصر هخامنشی، عصر شکل‌گیری بانکهای خصوصی، به معنای واقعی است که از سوابق آن آگاهییم از جمله بانک اژیبی^۱ در بابل (که بعضی از محققین او را یعقوب و جزو اقلیت یهودیان تبعیدی دانسته‌اند) که تاریخ تأسیس آن به قرن هفتم (ق.م) بازمی‌گردد. به گمان آغاز کار این بانک از زمان نبوکد نصر تا داریوش فعالیت داشته‌اند. این بانک به فعالیت‌های کارگشایی، اعتبارات رهنی می‌پرداخت و روی مستغلات اراضی مزروعی، برده، وام و کشتی‌های حمل و نقل، سرمایه‌گذاری می‌کرد و از کاربرد چک و حساب جاری بی‌اطلاع نبود. (گیرشمن، ۱۸۰)

این بانک در ابتدا فقط وام اعطا می‌کرد و برای وام خود ضمانت یا گروه‌هایی از جمله زمین کشاورزی و یا برده در اختیار می‌گرفت. یک سند دیگر نشان می‌دهد که بانک اژیبی در زمینه خرید و فروش برده اقدام می‌کرد.

بنابر سندی استثنایی ظاهراً بانگ اژیبی در خود ادیشتیه (در نزدیکی تخت جمشید) شعبه‌ای برای خرید و فروش برده داشته است. (پرویز رجبی، ۲۲۹)

دکتر پرویز رجبی در کتاب هزاره‌های گمشده خود می‌نویسد که سرمایه این بانک صرف امور مربوط به مسکن، مزرعه، دام و کشتی‌های باربری می‌شد. پول، غله، خرما،

۱- Egibi

آجر و دیگر وسائل مصرفی و حتی برده در قبال بهره زیاد به صورت جنسی به بانک سپرده می‌شد.

بردگان این «بهره‌گیری نامشروع» به متقاضیان اجاره داده می‌شد. گله‌های بزرگ در اختیار طرف قرارداد قرار می‌گرفت و به جای بهره تعداد زیادی بهره، مقدار متناهی پشم و پوست دریافت می‌شد. علاوه بر این بانک در برابر سود ملک افراد را در اختیار می‌گرفت. ایرانی‌های مقیم بابل که خود تمایلی به کار روی ملک خود را نداشتند، از این موقعیت استفاده می‌کردند. بانک حتی در قبال بهره غیر مستقیم پرداخت بدهی افراد را به عهده می‌گرفت. غنیمت‌های جنگی نیز به بانک فروخته می‌شدند.

از لوحی که در بابل به دست آمده است چنین برمی‌آید که در ماه سپتامبر ۵۳۷ قبل از میلاد شخصی به نام تادانو مقداری نقره به ایتی- مردوک- پلاتو (رئیس اگیبی) سپرده است، تا در ماه نوامبر بهره آن را دریافت کند. این سند در اکباتان تنظیم شده است. در این سند مقرر شده است که وام پرداخت شده در بابل به صورت خرما به نرخ روز بازپرداخت شود. همچنین دیده می‌شود ۴ سال بعد همین شخص در یک شهر ایرانی به این داد و ستد پرداخته است، اما این بار قرار شده است که وام در اکباتان بازپرداخت شود.

از سندهای مربوط به بانک اگیبی چنین دریافت می‌شود که ایتی- مردوم- بلاتو در سالهای ۵۷۵ تا ۵۲۰ قبل از میلاد مبلغ هنگفتی از کمبوجیه، ولی عهد کوروش بزرگ، وام گرفته‌اند. می‌توان چنین نتیجه گرفت که بانک اگیبی ارتباط خوبی با دربار ایران داشته است. امکان دارد که مقامات دربار یا دست کم ولی عهد، با این بانک شریک بوده‌اند. در هر حال خواجه کمبوجیه شریک بوده باشد، خواه پردازنده وام، پیداست که دامنه فعالیت بانک بسیار گسترده بوده است.

به نظر اومستد^۱ در سراسر نیمه اول فرمانروایان هخامنشی، بهره بانکی، اغلب به صورت جنسی، تقریباً بدون استثناء ۲۰٪ بوده است، میلو^۲ معتقد است، که بهره در زمان نبوکدنصر حدود ۱۰٪ و در زمان کوروش و کمبوجیه به بیش از ۲۰٪ رسیده و حتی در پایان سده ۵ قبل از میلاد به ۴۰ تا ۵۰ درصد بالغ شده است. هرگاه در زمان

۱- Olmstead.

۲- Meulean

سررسید پرداخت نمی‌شد، جریمه سنگینی به میزان بدهی افزوده می‌شد گاهی سندها را شخص دیگری پشت نویسی می‌کرد و چنانچه طرف بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی می‌کرد ظهرنویس مسئول پرداخت بود. (رجبی، ۱۷۵)

یک سیستم رهنی در بانک فوق‌الذکر وجود داشت که وام‌گیرنده در ازاء وامی که دریافت می‌کرد یک دارایی مناسب مانند مسکن یا برده و... در اختیار بانک قرار می‌داد و بانک از این دارایی در طول مدت وام استفاده می‌کند ولی بهره‌ای دریافت نمی‌کرد لیکن اگر وام‌گیرنده در سررسید قادر به ایفای تعهدات نبود، بانک آن را به نفع خود ضبط می‌کرد. نحوه اخذ بهره وام متفاوت بود در اکثر مواقع بهره به صورت ماهیانه پرداخت می‌شد. بانک در ازای پرداخت اقساط رسید جداگانه به قرض‌گیرنده می‌داد و در سررسید و بعد از پرداخت اصل و بهره وام الواح اصل بدهی نابود می‌گردید و به نظر می‌رسد که لوح‌های بازمانده همان وام‌هایی است که تسویه نگردیده‌اند.

بانک دیگری به نام «موراشو»^۱ از مردم نیپور^۲ با قدمتی کمتر به حفر قنوات می‌پرداخت و به کشاورزان آب می‌فروخت، در ضمن پاره‌ای امتیازات انحصاری مانند انحصار تولید و فروش آبجو یا انحصار صید را به دست می‌آورد و با رقم بیشتری واگذار می‌کرد. در یونان به تقلید از شرق، موسسات مشابهی به ویژه در معابد المپیا^۳، دلوس و دلفس^۴ به وجود آمد. (گیرشمن، ۱۸۰) البته در دوره‌های بعد در ایران باستان یک سری موسسات به اجاره دادن کشتی‌ها و... پرداخت.

پروفسور هاید ماری کخ در کتاب «از زبان داریوش» آورده است که بانک موراشو حق انحصاری دریافت تمام یا جازه‌ی املاک سلطنتی، قنات‌ها و گاوهای شخم‌زنی را در اختیار داشت. مطلقاً صبر و ملاحظه کاری دیوان اداری تخت جمشید را نشان نمی‌داد. به کسب‌وری پرداخت‌ها جریمه‌های سنگینی تعلق می‌گرفت که بیش از همه خرده مستاجرها را تحت فشار قرار می‌داد. به محض عدم پرداخت به موقع دیون، قسمتی از دارایی آن‌ها به وسیله بانک مصادره می‌شد و بدین وسیله کشاورزان کوچک پیوسته ضعیف‌تر و بانک پیوسته غنی‌تر می‌شد و زمین و اموال بیش‌تری به دست می‌آورد.

۱- Muraso
۲- Nippur
۳- Olympia
۴- Dekohes

از آثار اقتصادی بانکها بر مردم آن زمان نشان می‌دهد که عملکرد و سودجویی بانکها موجب گسترش فقر در بین مردم شده است، افزون بر آن مالیات‌ها و خراج‌هایی که مردم می‌پرداختند، بر این فقر دامن می‌زد.

سیستم‌های حسابرسی و بازرسی

تخت جمشید قلب تپنده فدراسیون بزرگی است. الواح کشف شده نشان می‌دهد که تخت جمشید به عنوان مقر حکومت پارس بوده است. این مرکز دارای ساختار اداری و اقتصادی بسیار دقیق بوده است. شاید به باور ننگجد که در زمان داریوش در تخت جمشید سازمانهایی همانند وزارت دارایی و بازرسی را با دقت بی‌نظیری زیر نظر داشته‌اند. لوح‌های کشف شده نشان می‌دهند که همه درآمدها و هزینه‌های شاهنشاهی به دقت ثبت و با نظم غافلگیرکننده‌ای بایگانی می‌شده‌اند. در عمارت خزانه تخت جمشید و دیگر تشکیلات همانند و پراکنده در مرکز ساتراپی‌ها و شهرهای تابع، به جای کاغذ همواره کلوچه‌هایی از گل برای ثبت امور آماده و در دسترس بوده است. امروز شماری از کلوچه‌های نانوشته نیز، با رد شیارهای انگشتان در دست است. پیداست که کارمندان مسئول به هنگام نیاز، کلوچه‌ای آماده را برداشته و آن را در روی میز پهن و هموار کرده و سپس مطلب لازم را به خط میخی ایلامی بر آن می‌نوشته‌اند. معمولاً از هر سند دو رونوشت تهیه می‌شد.

نظام کنترلی هخامنشی تنها در جمع‌آوری و بایگانی اسناد خلاصه نمی‌شد. هر دو ماه یکبار می‌بایست گزارشی از عملکرد همه حوزه‌ها تهیه می‌کردند. این روند، کار کنترل مرکزی در تخت جمشید را آسان‌تر می‌کرد. خوشبختانه برخی از لوح‌ها کشف شده است، گاهی هم سندهای یک حوزه و هم گزارش جمع‌بندی (دو یا سالانه) این سندها موجود است. مثلاً از حوزه کردوشوم^۱ در منطقه عیلام گزارش انجام کار دو ماهه سال ۲۲ (۵۰۹ قبل از میلاد) کشف شده است. گزارش‌های دو ماهه یا سالانه از اندازه بزرگ‌تری برخوردار بوده است. صحت و درستی این ترازنامه‌ها را سه کارمند تصدیق می‌کرد.

نفر نخست مسئول بخش، در آبادی مربوطه بوده است. مثلاً وقتی حسابرسی غله انجام می‌شود، مسئول مربوطه، رئیس کل انبار بود.

نفر دوم، «آتش ریز» بود. این فرد مقام رسمی روحانی محل است که از سوی حکومت انتخاب می‌شد و برای انجام آئین‌های دولتی تعیین می‌شد و علاوه بر آن، باید امور اداری را هم کنترل می‌کرد و با مهر خود مسئولیت صحت صدور سند را به عهده می‌گرفت و مقام سوم نگهبان انبار بود که نام او اغلب به تأکید در زیر اسناد آمده است. حسابرسی ج معاً به وسیله این سه مقام انجام شده است.»

حسابرسی‌هایی نیز در پایان سال بعد با سرکشی به حوزه‌ها، موجودی‌ها و صورت حساب‌ها را کنترل می‌کردند. به این ترتیب باید گفت که وسواس در کنترل در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. یکجا مسئولی با زیرکی قید کرده است: «ذخیره نگهبانان انبار را خودم ندیدم. حسابرسی را بر پایه گفته نگهبانان انجام دادم.» لوح‌های فراوانی در دست است که در هر موردی کنترل‌های مکرری انجام می‌پذیرفته است. در لوحی پرسیده شده است که سبب تأخیر در فرستادن گزارش چیست. موشکافی‌هایی از این دست نشان می‌دهد که سازمان اداری داریوش در کلیات تفاوت چندانی با سازمانهای امروزی نداشته است.

در کنار این‌ها یک حسابرس ویژه نیز وجود داشت. این حسابرس‌ها مسئولیت همه حسابرسی‌های یک حوزه را به عهده داشتند. آن‌ها در منطقه خود به همه جا سرکشی، موجودی محل را کنترل و صورت حساب تهیه می‌کردند. کار اینان بیشتر در پایان سال و در ماه‌های نخستین سال بعد انجام می‌شد. زیرا نوبت رسیدگی به همه ترازنامه‌ها، سالانه بود. جای شگفتی نیست اگر آن‌ها قادر نبوده باشند به همه حساب‌های منطقه خود رد یک زمان (در پایان سال) رسیدگی کنند. به این ترتیب گاهی حساب دو و یا حتی سال‌های بیشتری مورد بررسی قرار می‌گرفت.

در چنین حالتی طبعاً ممکن نبود تک تک اقلام رسیدگی شود. بنابراین فقط به ارقام کلی پرداختند، مثلاً به کل محصول غله و یا به کل مخارجی که برای کارگران منظور شده بود و یا به کل آن‌چه که ذخیره شده بود و بایستی در مخارج سال بعد منظور شود.

دژی در شیراز وجود داشت که ظاهراً این دژ مرکز نگهداری خزانه اشیاء گران قیمت، انبار غله، میوه‌های خشک و سایر خوراکی‌هاست. یکی از الواح کشف شده گزارشی درباره غله می‌دهد. (کخ، ۱۳۸۵، ۸۷)

«حسابرسی سال‌های ۱۸ و ۱۹ در دژ هومیاسه^۱ انجام گرفت. بازرس درباره به نام تخمرزما^۲ و آتشیان به نام رته زوشته^۳، انباردار بگینه^۴ جمعاً سه نفر این حسابرسی را به انجام رسانده‌اند.

در دوره هخامنشیان بسیاری از الواح سه بار مهر می‌خورد و دو عدد از الواح به عنوان رونوشت نگهداری می‌شد. یک نسخه در بایگانی محلی و یک نسخه در مرکز بخش و سومی به مرکز تخت جمشید ارسال می‌شد و بعد از دریافت در تخت جمشید آن را کنترل و پس از تأیید بایگانی می‌شد.

به نظر می‌دهد این الواح بر اساس معیاری مَثلاً «مکان و یا سال» طبقه بندی می‌شد و آنها را در داخل سبد قرار می‌دادند و سپس به سبدها برچسبی می‌زدند. تکه طنابی را به گوشه‌ای از سبد می‌بستند و سپس خمیر برچسب را به طناب می‌چسباندند. لاً روی این برچسب نوشته شده است:

«اسناد مربوط به شراب، آبادی نامه‌کارش^۵، و یا حواله نیکوش^۶، سال ۲۳ (۱۹۱۳،)

(PF)

بنابراین بر روی هر برچسب نام کالای حواله‌های مربوط به آن کالا، محل صدور سند، نام مأمور مسئول، سال تحویل و... قید می‌شد. این برچسب‌ها، چون به عنوان سند به‌کار نمی‌رفت و فقط نوع محتوی هر سبد را مشخص می‌کرد، مه‌ری نیز بر خود نداشت. بیش از اینکه لوحی در درون سبد جای گیرد یک بار دیگر به دقت کنترل می‌شد. مثلاً مأموری به نام وهوکه^۷ که مسئول کشت غله در منطقه نریه ایتیشه^۸، در سال ۲۰، پنجاه لیتر بذر جو به مردی به خومنکه^۹ تحویل داده بود، به هنگام برداشت

۱- Humyase
۲- Taxmarzma
۳- Rtazusta
۴- Begina
۵- Namakaras
۶- Tikus
۷- Vahuka
۸- Naryatisya
۹- Xvamnaka

محصول از او ۱۵۳۰ لیتر یعنی ۵۰ برابر بذر، جو تحویل گرفته بود (PF ۵۳۱، ۶۵۱)؛ اما سند قرارداد، به تخت جمشید نرسیده بود. این تسامح، از دید خونتشه‌نه، کارمند مسئول در تخت جمشید، دور نمانده بود. او جویای جریان امر از وهوکه شد. وهوکه نیز از دو سند بایگانی خود رونوشتی تهیه کرده، و به تخت جمشید فرستاده بود. در هر دو رونوشت به تأکید آمده است: «این رونوشتی است که خونتشه‌نه خواسته است» (PF ۵۳۱)

فرنکه (رئیس تشریفات) برای اینکه از عهده این مسئولیت برآید، اغلب در رفت و آمد بود. در تمام پارس و در آبادی‌های زیادی از عیلام به او برمی‌خوریم. اگر به نام او برنخوریم مهر او نشان می‌دهد که او در جای حضور داشته و امور مربوط را شخصاً بررسی کرده است. پس از گم شدن این مهر، از ماه سوم سال ۲۲ از مهر جدیدی استفاده کرد. روی هر دو مهر نام او به خط آرامی نوشته شده است. در مهر جدید به نام او «فرزند رشامنی» اضافه شده و صورتی کاملاً اختصاصی داشته است.

علیرغم جایگاه خوب زنان در دوره هخامنشیان ولی در مدیریت حوزه‌های دیوانی و یا محاسبات و حسابرسی‌ها از کار زنان خبری نیست. چنین برمی‌آید که اگر کاری، به منظور کنترل بخش‌های گوناگون اداری، نیاز به ترک محل و جابه‌جایی و سفر به دور و نزدیک را داشت برای انجام آن از زنان استفاده نمی‌شد. زن‌ها در کارهای ثابت استخدام می‌شدند که ناشی از ضرورت حضور زنان در خانواده بود. (کخ، ۲۷۱)

البته باید توجه داشت که لوح‌های کشف شده نشان می‌دهد که نقش ملکه‌های هخامنشی، صرفاً در حرمسراها نبوده است. بلکه نقش بسیار مهم و حساس در سیستم‌های اداری و حسابرسی داشته‌اند. در لوح‌های گلی در مجموع به چهار زن از خانواده شاهی برمی‌خوریم. آتوسا^۱، ارتیستونه^۲، رته بامه^۳ و اپاکیش وقتی که ارتیستونه (یکی از زنان شاهی) دیگری مثلاً در تخت جمشید است، طی نامه به شلامانو (یکی از کارگزاران) دستورهای لازم را می‌دهد. تعداد زیادی از این نامه‌ها، به صورت رونوشت‌هایی که مخصوص بایگانی کل دیوان تخت جمشید تهیه شده، به دست آمده است. دیوان سالاری (به عنوان یکی از ابزار کنترل و حسابرسی)

۱- Atossa
۲- Artystone
۳- Rtabama

برای ملکه نیز استثناء قائل نمی‌شود و اسناد لازم برای محاسبه درآمد و مخارج وی را مطالبه می‌کرد. ارتيستونه در یکی از این نامه‌ها به شلامانو دستور می‌دهد که ۱۰۰۰ لیتر شراب از موجودی کاخ‌اش در کوگنکا در اختیار حسابرسی به نام گاوشه پانه^۱ بگذارد (PF ۱۸۳۷). این مقدار شراب بدون تردید حقوق حسابرس نبوده است. شاید حسابرس املاک ملکه ارتيستونه به این نتیجه رسیده است که این مقدار شراب، علاوه بر پرداخت‌های قبلی، برای اجرت مستخدمین مورد نیاز است. (کخ، ۲۷۳)

ملکه معمولاً برای سرکشی املاک و سایر موارد در حال سفر بود و بنابراین هزینه و مخارج و مایحتاج ملکه و همراهان در دیوان اداری ثبت می‌شد. یا رته بامه که املاک از وی داشت مثلاً نامه‌های به حسابرس خود در شولکمه می‌نویسد (PFa ۲۷). در این نامه دستور داده شده است که حسابرس‌ها طبق سند به حساب‌های مربوطه رسیدگی کنند. به این ترتیب روشن می‌شود که در موارد معین و به طور کلی ملکه شخصاً بر حسابرسی‌ها نظارت دقیق داشته است. اسناد و مدارک و لوح‌ها نشان می‌دهد که ملکه مسئولیت سرپرستی املاک و کارگاه‌های‌شان را به عهده داشتند و برای فعالیت و کارهای مختلف کارمندان دیوانی خاصی داشتند و از طرف دیگر ناچار بودند که گزارش کارهای خود را به دیوان شاه گزارش دهند و بنابراین صحت گزارش‌ها در خصوص درآمد و مخارج با مهر ملکه تأیید می‌شد و بنابراین ملکه بر صحت گردش کار نظارت داشت. (کخ، ۲۷۳)

در این بین نقش مهر به عنوان یکی از ابزارهای کنترل قابل توجه است. یافته‌های باستان‌شناسان نشان می‌دهد که زمانی که یک کارمند به مسافرت می‌رفت می‌بایست گذرنامه‌ای مهر شده به همراه داشته باشد که حاوی اطلاعاتی در خصوص اینکه چه مسافت و مسیری را باید طی کند، چه میزان آذوقه باید دریافت کند و بطور کلی این هزینه‌ها باید ثبت و ضبط شود و در هر مرکز حسابرسی و حتی در ایستگاه پستی یک نفر عیلامی با گل تازه، آماده انجام وظیفه بوده است.

سازمان بازرسی دقیقی در ولایات کارهای رؤسای محلی را زیر نظر داشت. مأمورانی که به چشم و گوش شاه شهرت داشتند هر سال برای بررسی اوضاع و احوال به دورترین نواحی می‌رفتند. این مأموران را تعدادی سرباز همراهی می‌کردند که از آنان حمایت

می‌نمودند و در صورت لزوم کمک مؤثر به آنان می‌کردند. سرانجام دربار، پیرامون گزارش‌های خامی که چشم و گوش‌های پادشاه می‌فرستادند تصمیمات پابرجا و تغییر ناپذیر می‌گرفت. حکام ولایت را به دربار فرا می‌خواندند و گاه به تشکیل دادگاه و دادن حق دفاع به متهم، وی را محکوم به اعدام می‌کردند.

نتیجه

در دوره هخامنشیان با وجود متمرکز بودن در بخش‌های غربی ایران و با توجه به وسعت جغرافیایی امپراطوری ایران و به منظور اخذ گزارش‌های صحیح نیاز به سیستم‌های حسابرسی مالی و نظارتی دقیق داشت که مستندات حاکی از ابزارهای کنترلی مالی در این امپراطوری است.

در حال حاضر حسابرسان کشورهای پیشرفته برای حسابرسی‌های خود از سیستم‌های کنترل داخلی و حسابرسی مستقل استفاده می‌کنند که از نکات برجسته کنترل‌های حسابرسی در دوره هخامنشیان استفاده از این سیستم بوده است. همچنین تفکیک وظایف و به کارگیری سه نفر مجزا برای رسیدگی به حساب‌ها و استفاده از حسابرسی ضمنی و نمونه‌گیری در حسابرسی از نکات برجسته در دوران هخامنشیان است.

اخذ مالیات با دقت بالا و ایجاد تنوع منابع مالیاتی از جمله ویژگی‌های این دوران است. پرداخت هزینه دستمزد هزاران کارگر داخلی و خارجی و کارمندان نیازمند بهره‌گیری از سیستم‌های حقوق و دستمزد دقیق و منظم است، به نحوی که لوح‌ها و اسناد کشف شده موید این موضوع است. بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد علاوه بر ثبت دقیق رویدادها، به نحو صحیح و دقیق گزارشگری مالی صورت می‌گرفت. در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حسابداری و حسابرسی، سیستم حقوق و دستمزد و سایر امور مالی در دوران هخامنشیان به نحو شگفت‌انگیز به کار گرفته می‌شد.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. بروسوس، ماریا، **زنان هخامنش**، ترجمه هایده مشایخ، انتشارات هرمس (۱۳۸۱)، چاپ اول، تهران.
۲. پیرنیا حسن، **عصر اساطیری تاریخ ایران**، چاپ اول، ۱۳۸۳، انتشارات هیرمند، تهران.
۳. بیانی شیرین **تاریخ ایران باستان (۲) از ورود، آریاییها به ایران تا پایان هخامنشیان**، انتشارات سمت (پائیز ۱۳۸۵)، چاپ سوم، تهران.
۴. پیگولو سکایا، نینا ویکتورونا، **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۷۲)، چاپ دوم، تهران.
۵. پیر بریان، **امپراتوری هخامنشیان**، ترجمه ناهید فروغان چاپ دوم نشر فرزاد (۱۳۸۵)، جلد دوم، تهران.
۶. حکمت، علیرضا، **آموزش و پرورش در ایران باستان**، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی (۱۳۵۰)، چاپ اول، تهران.
۷. حکیم الهی نصرت الله، **از کوروش تا پهلوی**، چاپ اول، ۱۳۸۴، انتشارات اصالت، تهران.
۸. خدادادیان اردشیر، **آریاییها و مادها**، چاپ اول، خرداد (۱۳۷۶)، انتشارات اصالت، تهران.
۹. خلیلی عباس، **کوروش بزرگ**، چاپ اول، ۱۳۸۴، انتشارات نگاه، تهران.
۱۰. رجبی، پرویز، **هزاره‌های گم شده**، تهران، انتشارات توس، (۱۳۸۲)، جلد اول، تهران.
۱۱. رجبی، پرویز، **تاریخ ایران ایلامیها تا پایان دوره هخامنشی**، انتشارات دانشگاه پیام نور، (۱۳۸۳)، چاپ دوم، تهران.
۱۲. فرقاندوست حقیقی کامبیز، **اوزان و مقادیر در ایران باستان**، چاپ اول، ۱۳۸۴، انتشارات بازتاب، تهران.
۱۳. فیشر ویلیام، **بین تاریخ کمبریج سرزمین ایران**، ترجمه تیمور قادری، (۱۳۸۵) جلد اول، چاپ چهارم، تهران.
۱۴. گریشمن رومن، **تاریخ ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمود بهفروزی، انتشارات جامی (۱۳۸۵)، چاپ سوم، تهران.
۱۵. ناردو دان، **امپراطوری ایران**، چاپ اول، ۱۳۷۹، ققنوس، انتشارات ققنوس، تهران.
۱۶. نلسون فرای، ریچارد، **تاریخ باستانی ایران**، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۸۲)، چاپ دوم، تهران.
۱۷. ملکزاده ملکه بیانی، **تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمینه تا دوره ساسانیان**، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، (۱۳۸۱)، جلد دوم، تهران.
۱۸. محمدی فریعقوب، محمدی فریوسف، **تحلیلی بر شیوه حسابداری و حسابرسی در بین النهرین و ایران از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد تا اواخر دوره هخامنشیان**، مجله مطالعات ایرانی، سال پنجم، شماره دهم، ۱۳۸۵، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱۹. محمدی فریعقوب، محمدی فر یوسف، «نگاهی بر شیوه‌های کنترل حساب و نظارت مالی در عصر باستان»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۸۵.
۲۰. مالی کخ، هاید، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجیبی، نشر کارنگ (۱۳۸۵)، چاپ یازدهم، تهران.
۲۱. ویسهوفر، یوزف، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ققنوس (۱۳۷۷)، چاپ اول، تهران.
۲۲. هینتس والتر، داریوش و پارس‌ها تاریخ فرهنگ ایران در دوره هخامنشیان ترجمه عبدالرحمن صدریه، انتشارات امیر کبیر، (۱۳۸۵)، چاپ سوم، تهران.
۲۳. Vallat F. (۱۹۷۸). Le Mteriel Pigraphique Des couches ۱۸ a ۱۴ De acropole in paleorient PP ۱۹۳-۱۹۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی